عنوان:

مخدومی، ممنوع!

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-d-27 |
| موضوع | شرح احادیث |
| موضوع مرتبط | - |
| رده | علمی/سایر علوم/شرح حدیث و دعا/سایر منابع |
| برچسب | برده‌داری در اسلام، زهد، آفات دنیا، جارّ و مجرور، فعل و شبه‌فعل عام، «مِنْ» جارّه، حجاب معنوی، ارزش مؤمن |
| توضیحات | در توليد اين فايل از نرم‌افزار جامع الاحاديث متعلق به مرکز تحقيقات کامپيوتری علوم اسلامی و نیز نرم‌افزار المکتبة الشاملة استفاده شده است. |

«لا یزال العبدُ من الله و هو منه ما لم یُخدم فاذا خُدم وجب علیه الحساب[[1]](#footnote-1)»

اگرچه روایت فوق عامی است لکن مفاد صدر آن یعنی شدت اتصال مؤمن به خداوند از آیات و روایات کاملاً معلوم است و به‌عنوان نمونه یک خبر را دلالت پررنگی دارد، می‌آوریم: «من استفاد أخا في الله على إيمان بالله و وفاء بإخائه طلبا لمرضاة الله فقد استفاد شعاعا من نور الله و أمانا من عذاب الله و حجة يفلج بها يوم القيامة و عزا باقيا و ذكرا ناميا لأن المؤمن من الله عز و جل لا موصول و لا مفصول قيل له ع ما معنى لا مفصول و لا موصول قال لا موصول به أنه هو و لا مفصول منه أنه من غيره[[2]](#footnote-2)» و نیز مفاد ذیل آن و اکتفا می شود به ذکر آیه 20 از سوره مبارکه احقاف که می فرماید: «و يوم يعرض الذين كفروا على النار أذهبتم طيباتكم في حياتكم الدنيا و استمتعتم بها[[3]](#footnote-3)».

بنابر تعلق جار و مجرور به فعل و شبه‌فعل عام، محتمل است که مِنْ در «من الله» و «هو منه» به‌معنای بعضیه باشد[[4]](#footnote-4) و در توجیه اشکال تنزه حق تعالی از وصف تبعض می شود دست به تأویل زد و گفت که مراد از بعضیت، همان شدت اتصال است و این با ذیل خبرسازگارتر است چرا که می فرماید قبل از تنعم انسان از نعمت خدمت‌گزاری دیگران، غلبه توحید بر فرد چنان است که از حساب الهی به‌دور خواهد بود چرا که بین یک حقیقت و بعض او حساب کشیدن، بی‌معنا است. اما بعد از تنعم مزبور، عبد از حق تعالی محتجب می شود مانند همه تنعمات دنیوی که موجب تلون نفس و سقوطش در کثرات می باشند[[5]](#footnote-5) و لذا محاسبه وی واجب است چرا که حق یک فرد دیگر (یعنی خادم) در میان است و باید عدل الهی، پشت خادم باشد تا مبادا حقی از وی ضایع شده باشد و این بدون محاسبه ممکن نیست.

ومحتمل است که متعلق، فعل خاص تقدیر شود با توجه به قیام قرینه یعنی لا یزال العبد متصلا من الله و هو متصل منه و بنابر این تقدیر، معنای «مِنْ» ابتدای غایت است و مراد از اتصال نیز همان است که در خبر دوم ذکر شده است و الله اعلم.

1. - الجامع الکبير للسيوطي/ج1/ص19411 [↑](#footnote-ref-1)
2. - تحف العقول، ص: 295 [↑](#footnote-ref-2)
3. - گفته نشود که موضوع آیه شریفه اهل کفر اند بلکه این آیه در مراتب خودش برای همه متنعمین از دنیا جاری است چنانچه در احتجاجات علوی وارد است. (رجوع شود به المحاسن، ج‏2، ص: 409) [↑](#footnote-ref-3)
4. - با فرض تقدیر متعلق از افعال عموم، احتمال اینکه «مِنْ» اولی، نشویه باشد ضعیف است زیرا در دومی معنا نمی‌دهد و هیچ موجودی مبدأ برای ذات الهی سبحانه و تعالی نیست و ظاهر تنسیق، اتحاد «مِنْ» در دو استعمال است شبیه دو روایت منقول از رسول الله صلی الله علیه و آله که می فرماید «حسن مني و أنا منه‏» و «حسین مني و أنا منه‏» (رجوع شود به بحار الأنوار (ط - بيروت)،ج43، ص:306 و ج‏37، ص: 74). [↑](#footnote-ref-4)
5. - مگر اینکه برده‌داری در فضای تربیت عمیق توحیدی باشد که در آن اشتغال به دنیا در حد ضرورت و همراه زهد حقیقی در دنیا است و چنین اشتغالی برای فرد و دیگران، مثمر کمال است و بررسی ابعاد برده‌داری در اسلام و نیز بررسی حقیقت زهد که شاه‌کلید امثال این خبر است، مجال دیگری می‌طلبد. [↑](#footnote-ref-5)